

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ورارود با سلطه روسیه تزاری (نیمه دوم قرن نوزدهم تا انقلاب اکتبر)

الهه کولای^۱، سیده فهیمه ابراهیمی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۹)

چکیده

نوشتار حاضر باعنوان «روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ورارود با سلطه روسیه تزاری»، با بهره‌گیری از می‌پردازد روش «ردیابی فرآیند»، به مطالعه بررسی گروهی از اندیشمندان جامعه اسلامی ابتدای قرن بیستم، در قلمرو جغرافیای سیاسی جدیدی که روس‌ها آن را ترکستان غربی نامیدند، می‌پردازد. معارف پروران، ترقی‌پروران، جدیدیان، خسیانیان، نام جریان‌های نوگرایی است که همگام با دیگر نقاط فرارود، در شرایط کاملاً متفاوتی پس از سقوط حکومت اسلامی خاننشین خوقد، تحت حاکمیت مقام‌های تزاری در تلاش برای ارایه هویت جدیدی از مسلمانی هستند. مسأله نوشتار حاضر این است که پس از سقوط حکومت اسلامی و ضمیمه‌شدن خاننشین خوقد و بخش‌هایی از امارت بخارا به حکومت روسیه، جدیدیان مناطق اشغالی چه رویکرد و عملکردی در روند رویارویی خود با اشغالگرها نداشته‌اند و دلایل اتخاذ آن در هر دوره‌ای چه بوده است؟ پاسخ ما به پرسش بالا این است که نوگرایان

*ekolaee@ut.ac.ir

۱. استاد، گروه آموزشی مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری تاریخ، آسیای مرکزی و قفقاز

جدیدی در مراحل آغازین رویارویی خود، با رویکرد ضدروسی و اعتقاد به تقویت توان مقابله، به نقد هم‌زمان روس‌ها و جامعه خود پرداخته و از ابزارهای جدید (نشریه‌ها، مدارس جدید، تئاتر) برای رهایی از استعمار بهره برده‌اند؛ اما به تدریج با گسترش سلطه روس‌ها و پذیرش ضعف خود، در رویکردی هم‌گرایانه با روس‌ها، خود را مسلمانان روسیه نامیدند.

واژگان کلیدی: جدیدیان، مسلمانان، مناطق اشغالی، روسیه، ورارد.

مقدمه

در سال 1867م/1284ق با فرمان تزار الکساندر دوم، فرمانداری کل ترکستان تأسیس شد. این فرمانداری نظامی متشكل از همه سرزمین‌هایی بود که از سال 1847م/1263ق از این منطقه به اشغال روسیه درآمد و ضمیمه فرمانداری کل اورنبورگ شد.¹ در آوریل 1868م/1285ق سمرقند دربرابر مقاومت سپاهیان بخارایی سقوط کرد.² با فتح پامیر در سال 1895م/1313ق جغرافیای سیاسی جدید شکل گرفت. در این شکل‌بندی سراسر خاننشین خونقند به همراه اوراتپه، خجنده، سمرقند و ساحل راست آمو تحت فرمانداری کل ترکستان، جزء امپراتوری روسیه شد. از این تاریخ (یعنی 1284ق/1867م) ترکستان غربی یا ترکستان روس³ نام گرفت. شکل‌گیری جغرافیای جدید و تصرف منطقه‌ای حدود دو میلیون کیلومترمربع، روس‌ها را مسئول اداره سرزمینی کرد که جمعیتی بالغ بر هفت میلیون مسلمان را در خود جای داده بود.⁴ ساخته شدن راه‌آهن راه را برای مهاجرت کارگران و کارکنان روسی باز کرد و شهرهای مناطق اشغالی به سرعت به دو بخش جدید اروپایی و کوهنی بومی تقسیم شد.⁵ تاشکند پایتخت مناطق اشغالی، صاحب مدارس، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، رصدخانه‌ها و مؤسسه‌های دیگر شد و به صورت الگویی برای تجدد روسی در ورارود درآمد.⁶ هیچ اروپایی در مناطق مسکونی بومی زندگی نمی‌کرد؛ اما برخی از بومیان در بخش‌های اروپایی زندگی می‌کردند. درنتیجه چنین سیاست‌هایی در مناطق مختلف، محله‌های گوناگون روس‌نشین به وجود آمد و خیلی زود توسعه یافت.⁷

این تحول عظیم، جامعه‌ستی ورارود را در معرض تغییری ناخواسته و تجربه‌نشده قرار داد. درنتیجه آن گروه‌های مختلف اجتماعی، چون جدیدیان و قدیمی‌ها (سن‌گرایان) در مقام

رهبران جامعه، با تعیین مشی و فهم کلی خود از دنیای جدید، خطوط تمایز مشخص‌تری یافتند و هرکدام کوشیدند برای دفاع از هویت مسلمانی خود نسخه‌ای مؤثر کنند. گذشته از آنچه از ویژگی‌های اندیشه‌جedیدیان ورارود به‌طور کل می‌دانیم، باید توجه داشت که اندیشه‌ورزی و عمل این گروه از رهبران در بخش‌هایی که به اشغال روس‌ها درآمده و حکومت اسلامی در آن ملغی شده با امارت بخارا و خیوه که خراج‌گزار شدند، تفاوت‌هایی دارد. در این جغرافیای سیاسی جدید که زندگی اجتماعی مردم و جامعه مسلمان در اثر هم‌زیستی با روس‌ها به مسیر جدیدی وارد شد، نوگرایان مناطق اشغالی، باید به بازسازی هویت خود به عنوان نخبگان جامعه جدید پرداخته و دربرابر سیل جریان مدرنیته پاسخی شایسته می‌دادند.

در این نوشتار در پی آن هستیم تا علاوه بر تشریح درک چهره‌های شاخص جدید مناطق اشغالی از چگونگی رهایی از استعمار، روند رویارویی آن‌ها را با تحول روبه گسترش ناشی از روی‌سازی در جامعه، بررسی کنیم. با توجه به آنچه آمد، طرح تحقیق را براساس این پرسش‌ها قرار می‌دهیم که: جدیدیان در روند رویارویی خود با اشغال‌گران چه رویکرد و عملکردی داشته‌اند؟ آیا این روند تحول نیز داشت؟ دلایل آن چه بوده است؟ روش بررسی این موضوع «رديابي فرآيند»⁸ است؛ بنابراین پس از بیان ویژگی‌های جدیدیان در مناطق اشغالی با پی‌گیری فرآیند رویارویی آن‌ها و بازنمایی تحولات صورت‌گرفته در این رویارویی، به دلایل این تغییر خواهیم رسید. نوگرایان جدیدی در مراحل آغازین رویارویی خود با رویکرد ضدروسی و اعتقاد به تقویت توان مقابله، به نقد هم‌زمان روس‌ها و جامعه خود پرداخته و از ابزارهای جدید (نشریه‌ها، مدارس جدید، تئاتر) برای رهایی از استعمار بهره بردن؛ اما به تدریج با گسترش سلطه روس‌ها و ضعف آنان در رویکردی هم‌گرایانه با روس‌ها خود را مسلمانان روییه نامیدند.

نوگرایی (جدیدی) در مناطق اشغالی ورارود

جنبیش جدیدی در مناطق اشغالی ورارود گرچه ریشه‌های مشترکی با دیگر بخش‌های ورارود داشت⁹ اما انحلال خاننشین خوقدن و اشغال بخش‌هایی از این سرزمین سبب شده بود تا

مسلمانان این مناطق درنتیجه همزیستی با روس‌ها بسیار عمیق‌تر از همتایان خود در دو خان‌نشین دیگر، به تفاوت دو دنیای جدید و قدیم پی‌برده و در زیست‌بوم معرفتی متفاوت، دربرابر این پرسش به همان سؤال تکراری درمورد علت این تفاوت رسیدند.

این حرکت در نقطه‌ای شکل گرفت که سیاست‌های فرهنگی روسیه و فرآیند تغییر اجتماعی ناشی از اشغال منطقه در جریان بود، این موضوع سبب شد الگوهای قدیمی‌تر تولید فرهنگ - که علمای ستی (قدیمی) رهبران آن برآورد می‌شدند - تحت تأثیر قرار گرفته و صدای جدید ایجاد شود؛ صدایی که برای رهایی از استعمار به گفتمان جدید متولی شدند و به وسیله آن به تقویت فرهنگ پرداختند^{۱۰}. جدیدیان مناطق اشغالی در حالی که به برتری قدرت روسیه و ناکارآمدی حرکت‌های جهادی اعتقاد داشتند، با نقد عملکرد تقدیرگرایانه و سلبی علمای قدیمی، با تکیه بر دو مؤلفه مذهب و آموزش با نظم اجتماعی که در پی اشغال برقرار شد، مخالفت ورزیدند^{۱۱}. این گروه معتقد بودند دربرابر دشمنی که با ابزارهای جدید، هستی معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند باید با ابزار جدید به مخالفت پرداخت. در این شکل از پاسخ، آن‌ها باید توان آن را می‌یافتد که شکل جدیدی مجهز به سنت دینی و فرهنگی خود دهند^{۱۲}. اقدام‌های آن‌هادر ابتدا با اینکه از ماهیت ضدروسی برخوردار و واکنش به عملکرد مقام‌های تزاری در مناطق اشغالی بود، اما ویژگی پیوسته آن نقد سرسختانه جامعه اسلامی بود. در قطعه نخستین یکی از تئاترهایی که در مناطق اشغالی اجرا شد طرح اصلاحی اندیشمندان جدیدیان سامان نشان‌داده می‌شود:

«اکنون ما ترکستانی‌ها کاملاً آشنا با دانش مذهبی و جهانی نیستیم. مکتب کهنه ما، مدارس ما در نابودی به‌سر می‌برند و جایگاه جغدان شده است. مدارس ما به دور از تعلیم علوم جهانی هستند، آن‌ها حتی تفسیر و حدیث که اساس همه دانش‌های دینی هستند را آموزش نمی‌دهند. ما تربیت معلمی نداریم که معلمان‌مان را آموزش دهد... هیچ مدارس سازمان‌دهی شده‌ای برای آموزش ابتدایی فرزندان‌مان وجود ندارد... اگر این شرایط... ادامه یابد به‌زودی هستی موجودمان نیز نیست می‌شود».^{۱۳}

محمود خواجه بهبودی و رهبری جدیدیان در مناطق اشغالی

یکی از چهره‌های برجسته جدیدی در مناطق اشغالی «مفتی محمود خواجه بهبودی» است که به عنوان پدر جدیدیان شناخته شده است.¹⁴ او از علمای این سرزمین بود، پدرش قاضی باشقیر تپه در دامنه‌های سمرقند بود و بهبودی علوم آن زمان را نزد پدر و عمومی خود آموخت. او ابتدا میرزای عمومیش شد که قاضی بود. سپس خود به کسوت قضاوت درآمد، بنابراین ثروت لازم برای سفرهایش را داشت. در سال ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق هم در بخش بومی و هم روسی سمرقند خانه داشت و خود در بخش روسی زندگی می‌کرد! او مفتی سمرقند بود. سرانجام برجسته‌ترین چهره حرکت جدید در آغاز قرن بیستم در مناطق اشغالی شد. تفکر او ترکیبی از آموزش‌های سنت اسلامی و اشکال فرهنگی جدید بود. سفر بهبودی به استانبول، قاهره و مکه در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق نقطه عطفی در حیات او و جدیدیان مناطق اشغالی بود. او تحولات و توسعه‌های آموزشی در امپراتوری عثمانی و مصر را مشاهده و چهره‌های پیشو اصلاح فرهنگی را ملاقات کرد و نسخه‌ای از روزنامه ترجمان گاسپیرالی را به دست آورد.¹⁵ اولین فعالیت‌های عمومی او مقاله‌هایش در روزنامه «ترکستان ولایتی گزیته» در سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق بود و ثابت کرد که چهره شاخص نسل خود است. وی به حمایت از یک مدرسه اصول جدید در سمرقند پرداخت و تعدادی کتاب برای این مدرسه تألیف کرد. همچنین یک روزنامه (سمرقند) و مجله (اینه) برای خود نیز داشت. در سال ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق فروشگاه کتابی افتتاح کرد که از کتاب‌هایی از سراسر جهان اسلام پر بود. یکی از راههای بیدارساختن مردم که از سوی روشنفکران به کار گرفته می‌شد، نمایشنامه‌نویسی و تئاتر بود که مردم را به وسیله آن با مفهوم آزادی آشنا می‌ساختند. یکی از نوشته‌های پرآوازه در این زمان، پارکش اثر بهبودی بود که در شهرهای ورارود روی صحنه آمد.¹⁶ درون مایه و پیام نمایشنامه این بود که آزادی مردم مسلمان به تشکیل یک قشر خردمند و روشنگر ملی بستگی دارد که از طبقه متوسط سرچشمه گرفته‌اند. این قشر آگاه و آموزش‌یافته مسلمان خواهند توانست در دستگاه‌های اداری که از سوی روس‌ها برقرار شده، رخنه کنند و رفته‌رفته روس‌ها را از مناطق اشغالی بیرون ببرانند.¹⁷

راههای رهایی از استعمار در آرای پیروان بهبودی

الف) مبارزه با ناآگاهی و تعصب

نفوذ بهبودی به عنوان شخصیتی دینی و فرهنگی سبب شد که اقلیتی از اهالی مناطق اشغالی در اطراف کتابخانه و قرائت‌خانه او جمع شوند. این گروه که حامیان جریان نوگرایی در مناطق اشغالی بودند به قرآن تکیه کرده و می‌گفتند همهٔ چیزهای خوب و مفید را باید حتی از کافران نیز گرفت. آن‌ها علت آنکه مسلمانان در سراسر دنیا زیردست کافران شده بودند را در اساس نادانی و ناآگاهی آنان می‌دانستند. آن‌ها زمان خلفا را دلیل آورده و می‌گفتند که در آن‌زمان، مسلمانان از جهت علم و معرفت از دیگران پیش‌تر و بنابراین قوی‌تر بودند؛ اما بعدها همه‌چیز را به چارچوبی تنگ شریعت درآورده در علم و معرفت و رشد خود متوقف شدند؛ این در حالی بود که دیگران به دلیل رشد علمی خود پیش رفتند. از نظر آن‌ها نتیجه طبیعی این شرایط افتادن در دام استعمار بود؛ به‌همین دلیل سراسر جهان اسلام گرفتار شده است. به عقیده آن‌ها استقلال افغانستان هم تصادفی است، البته پادشاه حاضر افغان نفع علوم حاضر را فهمیده و چیزهای نوی بسیاری را در مملکت جاری کرد. اکنون مسلمانان برای برابری با دیگران نیاز به علم‌آموزی دارند و هرگاه که با رشد خود با اروپائیان برابر شدند، آنوقت از حالت زیردستی بیرون می‌آیند.¹⁸

این اندیشه‌ها موجب می‌شد که جدیدیان به این درک برسند که باید حقوق خود را بخواهند. بهبودی که در این زمان هنوز مسلک میانه‌رو در سیاست داشت، می‌گفت: «ما مسلمانان دومین ملت وسیع امپراتوری روسیه را تشکیل می‌دهیم¹⁹؛ اما متأسفانه در امور حکومت... کوچک‌ترین ملت هستیم... به‌منظور بهره‌بردن از حکومت و واردشدن در آن باید فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستیم. باید خودمان فرزندان‌مان را بفرستیم تا قاضی، وکیل، مهندس، معلم و خادم مردم (یعنی نمایندهٔ مردم در دولتی دولتی) شوند؛ افرادی که علم تجارت بخوانند و به ما در تأسیسات تجاری و بانک‌ها کمک کنند... تا به اسلام کمک کنیم».²⁰ او در بسیاری از مقالات خود سیاست استعماری روسیه را افشا و از قوانینی که ظاهراً از منافع ملی حمایت ولی دراصل وضع آن‌ها را دشوارتر می‌کرد، انتقاد می‌کرد. جدیدی‌ها می‌دانستند که استقلال را نمی‌توان بدون مبارزه به‌دست آورد. بهبودی در روزنامهٔ حریت می‌نویسد: ما نیاز

به اصلاح داریم، آن‌ها حق را نمی‌دهند، بلکه می‌گیرند. ما مسلمانان نمی‌خواهیم که کسی به ما لطمہ بزند و بر دین ما فشار بیاورد و ما نیز در فکر لطمہ‌زدن بر دیگران نیستیم.²¹ بسیاری از جدیدیان اهل قلم مناطق اشغالی همچون «تاش خواجه اثیری» با آثار مشور و منظوم خود به مبارزه می‌پرداختند. اثیری در آثار منظوم خود عقب‌ماندگی، بی‌سودای و نادانی مردمش نسبت به اروپا را بیان می‌کند. هدف او ترویج اندیشهٔ ترقی خواهی و پذیرش مدنیت جدید در بین مردم بود؛²² بنابراین در این راه، علاوه‌بر توجه به یادگیری زبان روسی، به انتقاد از روحانیون مسلمانی می‌پردازد که سلّه راه این نزدیک‌سازی کشور و مردم به مدنیت روس هستند. او زمان زندگی و تحصیل در خوقند با روس‌ها رفت و آمد داشت. لوکاشین، فرماندار نظامی ترکستان، که از کوان علمی او باخبر بود، او را به منصب قضاؤت مکلف کرد؛ اما او نپذیرفت. باوجود آنکه بستن سلّه برای ملاها واجب بود، اما او نمی‌بست. او ملاها را نمایندگان طمعکار و حیله‌گری می‌دانست. همهٔ افرادی که او را می‌شناختند، می‌دانستند که برای نماز جماعت به مسجد نمی‌رود. وی از روسیه روزنامه‌های روسی می‌گرفت؛ همچنین روزنامه‌های تاشکند، سمرقند، اورنبورگ و باکو را می‌خواند. و این زبان‌ها را به‌خوبی می‌دانست. مبارزه با روحانیون مرتاجع و تندرو که از ساده‌لوحی توده عوام، جیبی برای خود می‌ساختند، در آثار او جایگاهی ویژه داشت. علمایی که به انتقاد سخت او گرفتار شده بودند، او را کافر و دیوانه می‌نامیدند. وی رفت و آمد با آنان را عار می‌دانست²³ و می‌گفت آن‌ها با استفاده از راه‌های ساختگی، خلق را از مدنیت دور می‌کنند و فاش کردن فساد آن‌ها را وظیفهٔ هر معارف‌پرور می‌دانست.²⁴ او می‌نوشت در فضای دینی پرتعصب که باز همین علماء مسئول آن هستند، اثیری و همهٔ نوگرایان پشتوانهٔ مردمی ندارند:

«سوختم از دست تنها ی کسی یاد نکرد».²⁵

عموم اهل قلم جدیدی همچون اثیری، ریشهٔ عقب‌ماندگی و ضعف در برابر بیگانگان را پیوسته در آثار قلمی خود به مردم گوشزد می‌کردند. آن‌ها در بررسی این ریشه‌ها، دوگروه از علماء را مانع رشد دانسته‌اند. در مجلهٔ آینه می‌گویند:

«نزدیک بود که مسلمین بالکلی از خواب غفلت بیدار و به هوش آیند. ناگهان دو شراب مسکر به جان‌شان ریختند و دو مرض مهلك به جان‌شان افکندند؛ یکی ظهور تزهد بود که جمعی... خودشان را قطب راشد... نامیده... خدمت خودشان را اهم و جوبات و افضل طاعات مقرر کردند. دیگر آنکه برخی از علماء به بعض و عناد در مقابل کتب جدیده و مدارس تأسیس

شده... حیله ورزیدند و متفق القول در مساجد جوشیدند که شریعت از دست رفت، دین ضایع گشت و کتب ضاله در میان مسلمین شیوع یافت²⁶.

رفتار اثیری نسبت به حکومت روس و مأموران محلی نیز بسیار سرد بود. او معتقد بود پادشاه عادل باید این وضع را سامان بخشد، نه آنکه اساس حکومت برهم زده شود و به روسیه ضمیمه شود.²⁷ او هم مانند دیگر معارف پپوران باور زیادی به نیروی معارف و به قوه سخن داشت و معتقد بود که معارف می‌تواند پادشاهان خودسر را تربیت کند و بدون تغییر ساخت اجتماعی مملکت، جراحت آن را شفا دهد.²⁸

ب) فهم شرایط موجود و انتقاد از استعمارگران

مسائل سیاسی نزد جدیدی‌ها که نسبت به استیلای ورارود از طرف روسیه نظر منفی داشتند از مسائل مهم به شمار می‌رفت. آن‌ها بیشتر به تحلیل مفصل جوانب منفی این واقعیت می‌پرداختند و به خوبی درک می‌کردند که سرزمین‌شان در حقیقت یک مستعمره است و نظام اداری دستگاه روسیه پاسخ‌گوی نیازهای ملی نیست. روس‌ها در فاصله‌اندکی پس از اشغال، مقام‌های مسلمان را از بیشتر مناصب اداری محروم کردند؛ بنابراین، اندکی پس از ثبتیت، بیشتر مقام‌های اداری را کارگزاران روسی تشکیل می‌دادند. جدیدیان در حوزه اداره سرزمین اشغالی به انتقاد از قوانین فضویالی پرداخته و غیرقانونی بودن حاکمیت استعمارگران را مطرح کردند. از این گذشته، در منابع به موارد دیگری نیز در اعتراض جدیدی‌ها به عنوان خواسته‌های قانونی اشاره شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

قطع مهاجرت دهقانان روس به مناطق اشغالی، اصلاح اصول اداری استعماری از جمله تغییر برخی بندهای «نظامنامه اداره کشور ترکستان» که در آن مأموران حکومت تزاری نسبت به مسلمانان محلی بی‌رحمی می‌کردند، مسئله برابری حقوق رعایای مناطق اشغالی با رعایای روسی، محدود کردن دخالت روس‌ها در اداره امور مسلمانان که گاه باعث پایمال کردن عرف و عادات مردم از طرف آن‌ها می‌شد.²⁹ جدیدی‌ها نظام استعماری انتخابات دستگاه‌های اداری محلی در مناطق اشغالی را محاکوم و علیه سیاست مالیاتی حکومت تزاری اعتراض می‌کردند. آن‌ها تلاش می‌کردند تا تبعیض روسی - بومی را از بین ببرند.³⁰ از نظر آن‌ها راه حل همگنسازی و

رون و رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... اله کولایی و همکار

روسی سازی نبود، بلکه جدید و نوساختن جامعه مسلمان بود. به بیان دیگر، آن‌ها معتقد بودند که نخبگان جدید باید جدید اما مسلمان و بومی باشند.³¹

این خواسته‌ها گام مهمی در راه شکل‌گیری نظریه استقلال ملی بود. ازسوی دیگر، آن‌ها برای آموزش و تربیت مردم این سرزمین و متعدد کردن تلاش‌های آن‌ها در مبارزه علیه بحران موجود در جامعه، از اسلام حمایت می‌کردند. جدیدیان راه حل را در آن می‌دیدند که علم و تکنولوژی مترقبی را با توصیه‌های اولیه دین اسلام انطباق دهنند.³²

علاوه بر این جدیدیان مناطق اشغالی با توجهی ویژه جریان‌های سیاسی روسیه را تعقیب می‌کردند. آن‌ها برنامه‌های احزاب سیاسی در روسیه را مطالعه و سعی می‌کردند از طریق اقدام‌های صلح‌جویانه و گرداواری عرضه‌های اجتماعی و انجام بحث‌های علنی در مجلس و با دیگر ابزارها، از دولت تزاری برای خود امتیازهای سیاسی کسب کنند. آنان می‌خواستند در مرحله اول، دست کم شرایط را برای توسعه ملی مناطق اشغالی فراهم کنند؛ ولی برای مردم این سامان داشتن نماینده بومی در دوما منع شد.³³ هم‌زمان با آن اظهارنظرهایی در مورد زیان ایده‌های پان‌ترکیسم و پان‌اسلامیسم به عنوان یک پدیده تهدیدکننده مبانی دولت روسیه، گسترش یافت. جدیدی‌ها در همان دوران به این نتیجه رسیدند که باید متعدد شوند. بهبودی در نظر داشت حزب واحد اسلامی تأسیس کند و در اتحادیه مسلمانان روسیه عضو شود. سال‌های بین دو انقلاب برای نهضت جدیدیه سال‌های رشد کمی، سازمانی و سیاسی بود. جنبش جدیدی به دنبال تعقیب سیاسی غیرعلنی شد؛ برای نمونه بنابه گزارش اداره پلیس تاشکند، گروهی که سرپرستی آن‌ها بر عهده معلمی به نام احمدجان بود، کاملاً متشكل از روشنفکران ملی و جوانان دانش‌آموز بود. جدیدی‌ها در اندیجان سازمان غیرعلنی به نام ترقی‌پرور تأسیس کردند. مأموران تزاری در سال‌های ۱۹۰۹-۱۹۱۶ م/ ۱۳۲۷-۱۳۴۱ ق چندین بار گزارش کرده بودند که بسیاری از مدرسان و آموزگاران مدارس در گردھمایی خود اصلاح اداری کشور را تبلیغ می‌کنند.³⁴

ج) ایجاد مدارس جدید در برایبر مدارس روسی

علمای ترقی‌پرور مناطق اشغالی در ایجاد مکاتب و مدارس اصول نو انگیزه‌ای به مراتب بیشتر از بخاراییان داشتند؛ زیرا این اقدام آن‌ها واکنش مستقیم به تشکیل مکتب‌های روسی در این

سرزمین بود، به موازات گسترش این مدارس، تشکیل مدارس جدید سرعت می‌یافتد؛ زیرا این واقعیت، روشنفکران پیش‌قدم کشور را وامی داشت که هرچه زودتر برای مردم مسلمان خود چاره‌ای بیندیشند. پهلو، نماینده اعزامی امپراتور به مناطق اشغالی، معتقد بود در زمان حضور روس‌ها، مدارس سمرقند ابزار مؤثری در بیداری مردم نسبت به اتحاد مسلمانان بودند. آن‌ها علاوه‌بر آنکه در راه زندگی و دیدگاه کلی مسلمانان نقش بسیاری داشتند، تلاش می‌کردند تا گستاخ ارتباط میان خلافت عثمانی و ورارود از بین بروند.³⁵

مدارس جدید قصد داشتند بهوسیله معرفی روح آموزش غربی و انتقاد از آن، نفوذ غرب در جامعه اسلامی را کاهش دهند. از نظر آن‌ها همین روح بود که درنهایت، مفهوم اصیل و قدیمی اسلامیت را از بین می‌برد. پهلو انتقاد داشت این روح در خیوه و بخارا، که هنوز در حکومت حاکمان مستقل مسلمان است، سرزنشگی اولیه خود را حفظ کرده است. از نظر او این حیات قدرت سیاسی اسلامی بود که طریق قدیمی حیات اسلامی را حفظ کرده بود.³⁶

براساس برخی منابع، اولین مدرسهٔ جدیدی در سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۶ق در شهر خوقد ازسوی صلاح‌الدین داملا تأسیس شد و در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق منور قاری در تاشکند و شمس‌الدین داملا در اندیجان از او پیروی کردند؛³⁷ اما نخستین مكتب اصول نو فارسی تاجیکی به معارف پرور نامی اهل سمرقند، عبدالقدیر شکوری، تعلق داشت³⁸ که با یاری او در سال ۱۹۰۱م/۱۳۱۹ق در سمرقند گشوده شد.³⁹ وی در طول فعالیتش یازده بار به دلیل کتول روس‌ها مکان مدرسه را تغییر داد.⁴⁰

فردی که بیشترین خدمت را در حوزهٔ آموزش اصول جدید در مناطق اشغالی کرد، منور قاری (۱۸۵۱-۱۹۳۳م/۱۲۶۷-۱۳۵۱ق) است. او یک طلباء علوم دینی از تاشکند بود و سپس به کسوت معلمی درآمد. وی در سال ۱۹۰۱م/۱۳۱۹ق علاوه‌بر افتتاح مدرسه، جمعیتی را برای اعزام طلاب به استانبول و آذربایجان سازمان‌دهی کرد (البته حکومت زود جلوی آن را گرفت). در سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق کتابی روسی نوشت که به عنوان کتابی استاندارد در مدارس جدید استفاده می‌شد. او به همراه دیگر نوگرایان علیه نفوذ چندین نفر از چهره‌های محلی که استروموف، ویراستار روزنامه «ترکستان»، آن‌ها را به عنوان همکار جذب کرده بود، فعالیت می‌کرد. آنان به تحریک روسیه تلاش می‌کردند تا در میان توده‌ها احساس هم‌دلی و رغبت به روسیه را ایجاد کنند.⁴¹ اسماعیل عبیدی در نخستین شمارهٔ روزنامهٔ ترقی در سال

رون و رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... اله کولایی و همکار

1324ق هوت استروموف را به عنوان یک مسیونر فاش کرده و از ملا عالم که با

خدمت به او شرف خود را با پول معامله کرده است، انتقاد کرد.⁴²

منور قاری یک جدیدی کاملاً محتاط بود. به نظر او انجام محترمات، دلیل اشغال سرزمین‌ها و خوارشدن مسلمانان است. از نظر او ریشه همه این گناهان از جهل است و دانش، تنها تضمین حقیقی اخلاقیات و پرهیزگاری است. او می‌گوید مدارس مکان‌های مقدسی هستند که به سود ما ساخته شده‌اند. کتاب‌ها فرزندان ما را آگاه می‌کنند. مساجد نیز مکان‌های مقدسی هستند که برای عبادت مسلمانان ساخته شده‌اند. اگر مدرسه‌ای در جهان نباشد که به فرزندان ما دین را بیاموزد چه کسی وارد مسجد می‌شود و در آنجا عبادت می‌کند؟⁴³

جدیدی‌ها با وجود سرکوب حکومت و مخالفت روحانیون مرجع به تلاش خود ادامه دادند. تا سال 1908ق، نود و دو مکتب جدید در استان سیردریا، فرغانه و سمرقند، و سی و پنج مکتب در شهرهای تاشکند، خوقند و اندیجان افتتاح شد که این تعداد دربرابر سرعت روبرشد مدارس روسی - بومی، دستاورد قابل توجهی بود.⁴⁴

د) نشریات ابزاری برای مبارزه

یکی از امیدهای جدیدیان، استفاده از صنعت نشر برای گسترش عقایدشان بود؛ اما برپایی یک چاپخانه علاوه بر لزوم اخذ اجازه نامه رسمی، نیازمند سرمایه گذاری سنگین بود. نظام اداری تزاری نیز مایل نبود که این رسانه در اختیار رعایات جدید، توسعه یابد. در دوره تزاری تنها پنج مسلمان، چاپخانه خصوصی داشتند. در سال 1908ق اسحاق خان توره جنید الله خواجه‌اوغلی اجازه تأسیس چاپخانه‌ای را در روستای زادگاه خود «توره قورغان» در دره فرغانه به‌دست آورد. او که در هند با صنعت چاپ آشنا شده بود، پانزده سال در آن منطقه قاضی بود. وی در بازگشت از هند به عنوان اصلاح‌گری فعال دست به نوشتن گستره در نشریه رسمی «ترکستان» زد و خوانندگان خود را به بیداری از خواب غفلت و دستیابی به دانش جدید فراخواند. جدیدیان به‌دلیل آنکه صنعت چاپ، بهتر به آن‌ها اجازه می‌داد تا پیام خود را به گوش مردم برسانند به آن روی آوردن؛ اما تأثیر این صنعت به‌دست نظام استعماری حاکم به‌شدت کاهش یافت.⁴⁵

یکی از نکاتی که هم‌نوا با بخاراییان در مجله‌ها و روزنامه‌ها مورد توجه روشنفکران قرار می‌گرفت، توجه به گذشته باشکوه مسلمانان بود. گذشته‌ای که جدیدیان درنظر داشتند، عصر پیامبر و خلفای راشدین و حکومت‌های با شکوه اسلامی بود. جدیدیان در این بازیابی، بیشتر قصد ریشه‌یابی علل عقب افتادگی جامعه اسلامی و مغلوبیت دربرابر غیررا داشته و در ضمن تلاش می‌کردند تا راه حلی پیش رو نهند. این راه‌ها اغلب به لزوم کسب دانش جدید تأکید داشت. در اواخر سال 1905/1323ق اولین روزنامه جدید در تاشکند منتشر شد. در سال 1906/1324ق مجله «خورشید» که ویراستاری آن با منور قاری بود، منتشر اما خیلی زود بسته شد. در همین سال پرآوازه‌ترین روزنامه مناطق اشغالی به نام «ترقی» منتشر شد. این روزنامه از نظام اداری تزاری سخت انتقاد می‌کرد و خواستار اصلاح بود. از همه مهم‌تر سخن از آرمان «وحدت ملی ترکستان» به میان می‌آورد.⁴⁶

در سال 1907/1325ق بهبودی و دیگر جدیدیان ده شماره اول «شهرت» را منتشر کردند. در سال 1908/1331م «آسیا» و «تجار» خیلی کوتاه منتشر شدند. در 1913-15/1331-33ق مجله ادبی «آینه» و در 1914/1332ق روزنامه «سمرقند» در چهل و پنج شماره منتشر شد که هردو توسط بهبودی ویراستاری و در سمرقند منتشر می‌شد. در سال‌های 1914-15/1332-33ق «صدای فرغانه» در تاشکند و در سال‌های 1916/1334ق «یورت» در خوقند منتشر شد. عمر هریک از این نشریات به‌دلیل مخالفت علمای محافظه‌کار، سانسور حکومت روسیه و کمبود بودجه کوتاه بود؛ اما همه در گسترش عقاید جدید نقش داشتند.⁴⁷

تغییر استراتژی گروهی از جدیدیان از مبارزه به همگرایی

در مطالعه آرای جدیدیان مانند بسیاری از جریان‌های سیاسی، باید نگاه روندی نیز داشته باشیم؛ به این معنی که برخی از آنان در سال‌های حیات خود در یک روند تحول اندیشه و عمل قرار گرفتند. در روند حیات جدیدیان در مناطق اشغالی گروهی از جدیدیان به تدریج به مرحله‌ای رسیدند که به‌دلیل تحولات، هدف سیاسی بنیادین شان درنهایت، شرکت در روند کلی و جریان اصلی حکومت امپراتوری روسیه شد.⁴⁸ آن‌ها می‌خواستند در قلمرو امپراتوری تثبیت شوند؛ بنابراین باید جدایی میان روس‌ها و بومیان کم می‌شد. این مرحله بهروشی یک تغییر استراتژی

بود؛ زیرا آن‌ها در ابتدا بر این جدایی تأکید داشتند و می‌گفتند نخبگان جدیدی باید مسلمان ترکستانی جدید باشند. آن‌ها به شدت، متقد گروهی بودند که از روس‌ها تقلید می‌کردند. عبیدالله خواجه‌اف⁴⁹ یک‌بار نوشت: «پوشیدن لباس روسی برای آموزش و یا خدمات دولتی بی‌ضرر و حتی لازم است؛ اما این فرق می‌کند با زمانی که مردم لباس روسی می‌پوشند تا شیوه روس‌ها به نظر آیند». البته مخالفان جدیدی تفاوت چندانی میان این دو موضع نمی‌دیدند؛ بنابراین، برخی جدیدی‌ها را مقلدان روسی می‌دانستند. جدیدی‌ها در آموزش زبان روسی با روس‌ها موافق بودند؛ اما مخالف آن بودند که افراد در حرف‌هایشان از کلمات روسی استفاده کنند. یکی از جدیدی‌ها می‌گوید یادگیری زبان روسی مثل نان و غذا برای زندگی و خوشبختی ما ضروری است؛ اما لازم است که آن را در جایش نگاه داریم و به کار ببریم. لغات آمیخته روح زبان را نابود می‌کند. ازین‌رغم رفتن زبان ملی از بین رفتن روح ملت است. نخبگان باید بتوانند پیش از آنکه به نبرد در دنیای وسیع تری بیرونندن، بر دین و زبان خود مسلط باشند.⁵⁰

این تغییر استراتژی درنظر برخی تغییر از اصلاح طلبی اسلامی به نوگرایی اسلامی است. جریان اخیر از رشته‌های فلسفی - فرهنگی و همچنین مطالعات مذهبی و اسلامی در اروپا ریشه می‌گرفت و یکپارچگی در شریان جهانی تمدن (در این سرزمین، تمدن روسی) را دربرداشت. نوگرایان اسلامی درنظر داشتند قابلیت یکپارچه‌سازی خویش را به نمایش بگذارند و در همان حال به این تمدن مفهوم جدیدی بخشند تا تداوم حیات خود را در دنیای جدید ممکن سازند؛ بدین ترتیب نوعی سبک زندگی اسلام روسی با مدل فرهنگی جهانی و با ابعاد جهانی پدید آمد.⁵¹

در دومای سوم مردم انتظار داشتند جدیدی‌ها از طریق نمایندگان، حل یکسری مسائل مهم در ارتباط با مناطق اشغالی را از دوما بخواهند؛ اما در حقیقت آن‌ها فقط مسائل مربوط به اصلاح را پیش بردند و بهمین قانع شدند. روزنامه خورشید نوشه بود: از آنجاکه امپراتور ما آزادی دین و دیگر آزادی‌های هم‌وطنان را اعلام کرده است، بنابراین کارهای دینی و محلی مسلمانان باید در دست خود آن‌ها باشد. در تاشکند باید مؤسسه‌ای تشکیل شود که بر کارهای دینی مسلمانان نظارت کند. مسلمانان در حقوق با روس‌ها برابر شده‌اند؛ اما این حقوق را طلب نمی‌کنند، گویا که زبان ندارند.⁵² رهبران تشکیلات مسلمانان که اتفاق نام داشت و

جدیدی‌های مناطق اشغالی (که شاگرد آن‌ها بودند) از این زمان، قرار گرفتن در جریان تمدنی روسیه را درنظر داشتند.⁵³

محمود خواجه بهبودی در سال 1911ق مقاله‌ای به نام «مناظره حقینده» (درباره مناظره) نگاشت که در آن درمورد کتاب «مناظره» عبدالرؤوف فطرت بحث کرد و در روزنامه «ترکستان ولایتی گزیتی» منتشر شد. از نظر او در موضوع‌های این کتاب به یک نکته مهم توجه نشده بود و آن آموختن زبان روسی و بهره‌بردن از فرهنگ روسی است. وی نوشت فطرت بیشتر به تربیت معنوی توجه کرده و نخواسته مردم بخارا را از تلقین آموزش روسی به هراس اندازد. او از مؤلف کتاب درخواست کرد در ترجمة روسی آن و در تحریر دوم، این موضوع را درنظر گیرد. دلیل بهبودی آن است که روسیه دولتی بزرگ است و حکومت بخارا برای رواج تجارت به حمایت آن احتیاج دارد. همه جنبه‌های حیات اجتماعی، بانک و مخابرات بخارا توسط روس‌ها انجام می‌شد. افزون بر این، بخارا و روسیه کشورهای همسایه بودند. مسلمانان ترکیه و دیگر مسلمانان مقیم روسیه در پی یادگیری زبان روسی بودند. از سراسر جهان هم به روسیه دانشجو می‌فرستادند؛ ولی از بخارا نه. چرا؟ او نوشت این نشان «غفلت و از وضع زمان بی‌خبر بودن بخارایی‌هاست»⁵⁴. بهبودی نوشتند بود: «خدرا شکر ما در زمان حاضر به حکومت روسیه یارمندی می‌دهیم و در آینده نیز همین کار را خواهیم کرد. ما شریک و همکار آن‌ها هستیم. پادشاه به ما امکان داده که احتیاجات خود را بیان کنیم. برای این کار ما از وی بسیار و بسیار منّت داریم». وی در سال‌های بعد نیز مقاله‌هایی با همین محتوا نوشت: «شروعت ما هیچ وقت در محکمه‌های دولتی کارکردن و با این راه به دین و علم فایده‌رسانیدن را با ما منع نکرده است. قانون‌های روسیه نیز به این راه می‌دهند این قانون‌ها پس از این همچون مسیحی‌ها برای ما نیز سبک‌تر خواهد شد. برای کارکردن در محکمه‌های دولتی مسیحی بودن شرط نیست، بلکه از علم خبرداربودن لازم است».⁵⁵

آن‌ها برای توجیه اقدام روس‌ها تلاش می‌کردند. روزنامه ترقی نوشتند بود: «به همه معلوم است که حکومت روس آنچه را که به شروعت مخالف است، هرگز نمی‌کند». صفحات نشريات جدیدیان مملو از این بود که گویا تربیت نسل جدید فقط وابسته به فعالیت تزار است: «برای ترکستانی‌ها تنها در آرامی و آسودگی بودن روسیه اهمیت دارد تا اینکه حکومت روسیه پر قوت و بزرگ باشد».⁵⁶

نزدیک‌ترین همکار بهبودی، خواجه معین، در پاسخ فردی که به مواضع آن‌ها ایراد گرفته بود، نوشت: بود: فرستادن طلبه‌ها به داخل مکتب‌های روسیه لازم است؛ زیرا آن‌ها در آن مکتب‌ها زبان روسی را می‌آموزنند و حکومت تزاری در صادق‌بودن آن‌ها نسبت به وطن تردید نخواهد کرد.⁵⁷

بهبودی با انتقاد به کسانی که امید رهایی از استعمار را داشتند می‌گوید: درنظر ما گفتن این مطلب که روس‌ها آمده‌اند و می‌روند درست نیست. علت این نوع فکر کردن این است که ما جغرافیا و تاریخ را نمی‌دانیم و با حیات امروز آشنا نیایی نداریم. برای رسیدن به سعادت، دانستن زبان روسی برای ما لازم است. ما باید در مکتب‌های دولتی درس بخوانیم و به دین و وطن خود خدمت کنیم؛ مثلاً ما اکنون درباره احتیاجات خودمان در دومای دولتی می‌توانیم سخن بگوییم؛ اما در بین ما کسانی نیستند که در آنجا نشسته از منافع ما حمایت کنند. اینک ده‌سال است که من می‌گوییم دیگر لازم نیست از روس‌ها بترسیم، بلکه باید با آن‌ها دست به دست داده، کار کنیم. خود را شهروندان روسیه دانسته در اداره کردن مملکت فعالانه مشارکت داشته باشیم و بازهم می‌گوییم.⁵⁸

اعلام جنگ جهانی سبب تظاهر بیشتر این رویکرد شد. هنگامی که روس‌ها در زمان جنگ، فرمان سربازگیری را اعلام کردند، جدیدی‌ها آن را یک فرصت برای حضور مسلمانان و رارود در جریان اصلی حیات روسیه شمردند. در همین زمان، برخی از جدیدی‌های مناطق اشغالی موضوع وفاداری به تزار را مطرح کردند و از مسلمانان خواستند که در جنگ شرکت کنند. بهبودی نوشت: بود: مملکت روسیه، وطن مسلمانان روسیه است. دشمن به وطن ما اعلام جنگ کرده و ما از آنجاکه وطن خود را دوست داریم، لازم است به آن یاری دهیم. علاوه بر این ما باید از هرگونه فکر و رفتارهایی که دقت افکار اجتماع را به سوی دیگری منحرف می‌کند، پرهیز نماییم.⁵⁹ جدیدی‌ها تکلیف می‌کردند که در هر شهر، گروه‌های نظامی مسلمان برای حمایت و یاری به جنگاوران تشکیل شود. خود جدیدی‌ها در آن فعالانه کار می‌کردند. در صفحات روزنامه‌های جدیدی مقاله‌ها و اشعار وطن‌پرستانه چاپ می‌شد. امپراتوری عثمانی هم در جنگ شرکت داشت؛ به همین دلیل شیخ‌الاسلام، این جنگ را جهاد مقدس نامید که در آن کمک به امپراتوری عثمانی بر همه مسلمانان جهان واجب بود. او فتوا داد که اتباع مسلمان قدرت‌های درگیر جنگ نباید علیه حکومت مسلمان نبرد کنند. حتی اگر زندگی‌شان در معرض تهدید باشد و اگر چنین کنند، مستحق آتش جهنم

هستند؛ اما بهبودی نظر مخالفی داشت. او این نبرد را یک جنگ دینی نمی‌دانست و می‌گفت همدینی و همنژادی ما با عثمانی‌ها نباید مانع دوستی ما با روسیه شود. ما مسلمانان ترکستانی، اتباع حکومت روسیه هستیم. باید بفهمیم که هر عمل جاهلانه و بی‌ادبانه دوستی پنجاه ساله ما را ازبین می‌برد. بهبودی نوشت: ترکیه با مقابله‌نمودن با روسیه جنایت بزرگی می‌کند.⁶⁰ فرماندار کل ترکستان در فرمانی تهدید کرده بود که اگر در بین اهالی محلی یک‌نفر طرفدار ترکیه یافت شود، دره چرچیک را با آب دیده کودکان و مادران پر خواهد کرد. بهبودی به این مناسبت به مسلمانان اشاره کرده، نوشت: اگر در بین ما این افراد باشند، کشور ما نابود می‌شود. باید بفهمیم که این نبرد، دینی نیست، بلکه سیاسی است. او اظهار امیدواری کرد که ترک‌ها هرگز وارد جنگ نشوند؛ اما وقتی دید که این اتفاق نیفتاد، از خوانندگان خواست تا آرامش را حفظ کرده و تاحد ممکن به زخمی‌ها کمک کنند. او به مردم می‌گوید که به حرف شیوخ صوفی اعتماد نکنند و اگر می‌خواهند اخبار جنگ را بدانند، روزنامه و تلگراف بخوانند. رهبران صوفی در طول جنگ، امید رهایی و رارود از حکومت روسیه را داشتند؛ اما از نظر بهبودی چنین امیدهایی توجیهی نداشت. البته او در این نظر تنها نبود، بلکه بیشتر جدیدی‌های مناطق اشغالی چنین نظری داشتند. در سال ۱۳۳۲/۱۹۱۴ ق خواجه‌اف پیشنهاد کرد که مسلمانان تاشکند باید پنجاه‌مین سالگرد اشغال منطقه توسط روس‌ها را جشن بگیرند. «حکومت دوست ما روسیه، شهر ما را گرفت؛ اما چه ضرری به ما رساند؟ مسلمانان ترکستان هیچ ضرری از جانب حکومت روسیه ندیده‌اند، بر عکس کشور ما شکوفا شد.»⁶¹

جدیدی‌ها از شورش مسلمانان در سال ۱۹۱۶م، خیلی بیمناک بودند. روزنامه جدیدی نوشت: «غم دولت روس غم ماست. ما به این غم دولت شریک شده، ایستاده باید چنان رفتار کنیم که این حکومت خوش باشد. حکومت، پدر خلق است. فرزندان او باید در حق او غم‌خواری کنند». روزنامه وقت در هجده آوریل ۱۹۱۲/۱۳۳۰ ق نوشت: «اعلیٰ حضرت امپراتور، الکساندر دوم، با سیاست و فعالیت عملی خود به عنوان پادشاه آزادی‌بخش سزاوار گردیده است. اعلیٰ حضرت الکساندر سوم پادشاه صلح‌پرور بود. دوره پادشاهی پادشاه حاضر روسیه دوره علم و دانش است. اکثریت مکتب‌های حاضر روسیه از طرف پادشاه ما در مدت شانزده سال اخیر تشکیل یافته‌اند. هیچ شبهه نیست که در آینده باز هم وسعت خواهند یافت». عبیدالله خواجه‌اف، سردبیر «صدای ترکستان»، با تنبی چند به پتروگراد سفر کرد تا از یک هیئت نمایندگی دومای دولتی دعوت کند از مناطق اشغالی بازدید کرده، شرایط را بررسی

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

کند. میان او و یکی از نمایندگان، ائتلافی برقرار شد که یکی از محدود نمونه‌های همکاری

سیاسی میان اعضای جامعه روسیه و مردم منطقه پیش از انقلاب ۱۹۱۷/۱۳۳۵ق است.⁶⁴

عبدالله خواجه‌اف به مناسبت جنگ در «صدای ترکستان» مردم را به کمک فراخواند.

عبدالرحمان اکبراف در مقدمه مجموعه اشعاری که از جانب جدیدی‌ها پس از جمع‌آوری نیرو

برای جنگ در سال ۱۹۱۶/۱۳۳۴ق جمع‌آوری شده، شعری به این مضمون سروده است:

چشم ما را گشوده و ما را به راه ترقی هدایت کرده‌ای

شفقت کردی به آق پادشاه، زنده باش

بندگی می‌کنیم به تو ای آق پادشاه، زنده باش

چندی است که آسوده گردیده است اولاد ما

این وطن را خودت آباد کردی برای ملت ما

راضی و منت داریم از توای آق پادشاه، زنده باش

بسیار تشکرها به تو ای آق پادشاه، زنده باش

ما را نگذاشتی در زیر پای خود

مهر خود را ماندیم به تو ای آق پادشاه، زنده باش⁶⁵

نتیجه

مشی مبارزاتی جدیدیان این بود که باستفاده از تمدن و پیشرفت و مجهزشدن به دانش و

کارشناسی روس‌ها، خود را در موضعی برابر و سپس برتر از آن‌ها قرار دهند و در گام نهایی از

استعمار رهایی یابند. بهیان دیگر، آن‌ها می‌خواستند از همان ابزاری که موجب برتری دشمن

شد، علیه او استفاده کنند. شاهد این تلاش‌ها روایتی بود که از اقدام‌های نوگرایان مناطق

اشغالی در حوزه آموزش، نشریات و دیگر عرصه‌های فرهنگی آورده‌یم (که البته همسو با دیگر

جدیدیان ورارود، اما قوی‌تر از آن‌ها و در شرایطی بسیار متفاوت صورت گرفت).

اما آنچه جدیدیان مناطق اشغالی را از همتایانشان در قلمرو ورارود متفاوت ساخت، تغییر

استراتژی و هدف آن‌ها در روند رویارویی با سلطه حکومت تزاری بود. این واکنش تابعی از

شرایط مکان و زمان بود. گرچه از نظر زمانی همه کنشگران جدیدی در یک دوره مشترک قرار دارند، بهدلیل ارتباطات نزدیک‌تر مناطق اشغالی با روسیه، حادث امپراتوری، انکاس بیشتری در این سامان داشت. از نظر مکانی هم مردم این سامان درنیجه تعامل و زیست مشترک با روس‌ها، درک و خودآگاهی متفاوتی نسبت به این قدرت استعماری داشتند. سیطره روسیه بر همه شئون اسلامی، سبب شده بود آن‌ها از حرکت‌های مقاومت و سرکوب دائم خسته شده و در اندیشه راهی مؤثر، تصمیم به تغییر استراتژی بگیرند؛ سپس خواستار قرارگرفتن در جریان اصلی قدرت روسیه شدند؛ بهیان دیگر، آن‌ها از این زمان کوشیدند با ورود به مراکز قدرت مانند دوما، بخشی از حقوق خود را با استفاده از قوانین روسی به دست آورند؛ همچنین به جای مردم مسلمان ورارود، خود را مسلمانان روسیه نامیدند و تلاش کردند این پذیرش از جانب روس‌ها نیز صورت پذیرد. بهمنظور این دگرگونی، آن‌ها به مقابله با واکنش‌های ضدروس رهبران دیگر پرداخته، آنان را در تقابل با هدف خود می‌دانستند.

نکته دیگری که در تکمیل این تبیین باید بدان اشاره کرد همان است که پهلو، فرستاده اعزامی امپراتور به مناطق اشغالی، ابراز داشت؛ اینکه این قدرت سیاسی اسلام بود که طریق قدیمی زیست اسلامی را در بخارا و خیوه حفظ کرده بود. مسلمانان بخارا امید به روزی داشتند که حکومت، اصلاح شده و آن‌ها با توصل به علوم و معارف جدید، قدرت یافته و دخالت بیگانگان را کاهش دهند؛ اما رهبران مناطق اشغالی، چنین امیدی را خیال خام می‌دانستند و راه‌های دیگر را برگزیدند.

پی‌نوشت‌ها

1. David Mckenzie, «Kaufman of Turkestan, an Assessment of his Administration 1867-1881», Slavic Review, Vol. 26, 2 June 1967, p.267
2. Yuri Bregel, A Historical Atlas of Central Asia, Brill, Leiden, Boston, 2003,p. 64
3. اطلاع ترکستان به این مملکت جدید، حقیقت امر را نشان نمی‌داد. علت این نامگذاری از جانب حکومت‌داران و نظامیان روس درک نکردن مردم و تاریخ این دیار بود. جای شبهه نیست که هنگام عملیات نظامی روس‌ها، تاتارها، باشکیرها و دیگر مردم ترک‌زبان منطقه استپ، نقش مهمی داشتند؛ یعنی روس‌ها حل مسائل فرارود را با اشتراک عاملان ترک‌نژاد انجام می‌دادند؛ به همین خاطر، بخش بزرگ سرزمین‌های ورارود سرزمین ترکستان خوانده شد.

- Хотамов, Намоз, Таърихи халки тоҷик(аз солҳи 60-уми асри XIX то соли 1924),
нашриёт "ЭР-граф", дошанъе, 2000, С.19
4. Richard Pierce ,Russian Central Asia 1867-1917(A Study In Colonial Rule), University
of California Press, 1960, p.51
5. اشپولر، برلین [و دیگران]، آسیای میانه(مجموعه مقالات تاریخی)، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر
پژوهش‌های فرهنگی، 1376، ص 124
6. محسن مدیر شانه‌چی، در میانه آسیا (مجموعه مقالات و گفتگوها درباره آسیای مرکزی و قفقاز)،
تهران، کتاب باز، 1378، صص 11-10 /اشپولر، ص 92
7. در سال 1910م/1328ق شماره چنین محله‌هایی در کشور ترکستان به صدویست و چهار عدد
رسید که در آنها هفتاد هزار نفر زندگی می‌کردند. (Хотамов, C. 45)
8. process tracing
9. تاریخ ورود اندیشه‌های اصلاح طلبی در میان ورارودیان را می‌توان به پیش از احمد مخدوم دانش،
مصلح تاجیک، به تاتاران و از آنجا به هند و نقشبندیان مجددی رساند. علاوه بر این در شکل گیری
و نضج این جریان بی‌شک رویارویی با روسیه و دنیای جدید جایگاهی مهم داشت.
10. Adeeb Khalid, The Politics of Muslim Cultural Reform, Jadidism in Central Asia,
University of California Press, 2003, p.207
11. الهه کولایی، بازی تزرگ جدید در آسیای مرکزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور
خارجه، 1389، صص 172-168
12. Khalid, Op. cit., p.102
13. Ibid., p.1
14. دلامعلیم آوا [و سید اکبر اعظم خجایف]، «تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن
20»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، ش 20، زمستان 1376، ص 131
15. گاسپرالی که پایه‌گذار اصول جدید آموزشی در تاتارستان بود، از دوستان و اساتید بهبودی به شمار
می‌رفت. او در سال 1908م/1326ق پیش از عزیمت به قاهره به مناطق اشغالی آمد و با فعالیت مدارس
جدید سمرقند آشنا شد. (همان، ص 132)
16. Khalid, Op.cit., p.80
17. عبدالهادی حائری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد،
7. ص 1374
18. Зариф Раҷаев , Аз таърихи Афкори Чамъияти-сиёсии халки тоҷик дар нимаи
дуйуми асри XIX ва аввли асри XX, нашриёт давлатии Тоҷикистон,
сталиноъод, 1959, С. 405
19. او می‌گوید بیست میلیون مسلمان در روسیه است که نیمی از آن ما تورانی‌ها هستیم.
(Khalid, Op. cit., p. 194)

20. Devendra Kaushik , **Central Asia in Modern Times, (A History from Early 19th Century)**, edited by N.Khalfin, Moscow, Progress Publisher,1970,p. 217
 21. علیم آوا، پیشین، ص 136
22. راچاکو، س. 230
 23. خامون، س. 223-5
 24. خامون، س. 239
 25. خامون، س. 240
 26. آینه، ش 25، 29 جمادی الاولی 1332
27. راچاکو، س. 240
 28. خامون، س. 242
 29. Хотамов، С. 121
 30. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1392
31. Khalid, Op. cit., p.218
 32. علیم آوا، پیشین، ص 132
 33. اشپولر، پیشین، ص 129
 34. علیم آوا، پیشین، ص 137
35. Pahlen, Count K.K., Mission to Turkestan, Edited by Richard Pierce, Translated by N. J. Couriss, London, 2003, p.61
 36. **Ibid**, p. 62
 37. علیم آوا، پیشین، ص 130
38. در مکتب و خانه عبدالقدیر روزنامه و مجله‌های چاپ مصر، کلکته، استانبول، تهران، باکو، تفلیس، قازان، باغچه‌سرای، و مانند آن موجود بود (قهرار رسولیان، «تحصیل مکتب اصول جدید تاجیکی» رودکی، 15، سال هشتم، تابستان 1386، ص 9-27)
39. Хатамов، С. 127
 40. صدای شرق، به نقل از: ودود محمودی و عبدالقدیر شکوری، ش 8، 1990، ص 9-10
41. Pierce, **Op.cit.**, p. 254
 42. Khalid, Op. cit., p.88
 43. **Ibid.**, p.146
 44. Pierce, **Op. cit.**, p.259
 45. ادیب خالد «چاپخانه‌داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری»، ترجمه محسن جعفری مذهب، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 25، ص 6-2
46. کاظم معتمدنژاد، مطبوعات در آسیای مرکزی (تحولات روزنامه‌نگاری در دوره تجددخواهی، اشتراک‌گرایی و استقلال‌جویی)، تهران، نشر علم، 1390، ص 40
47. Pierce, **Op.cit.**, p.259

48. بیان زمان دقیق برای این تحول بسیار دشوار است؛ زیرا نظر آشکار این گروه در هنگام شروع جنگ جهانی آغاز شد. ظریف رجب نیز نوشت از حکومت تزاری طرفداری کردن و از خلق ترسیدن جدیدی‌ها در دوره جنگ جهانی و در زمان شورش ۱۹۱۶م/۱۳۳۴ق معلوم شد. آن‌ها از اول جنگ به سود روسیه تشویق می‌کردند. اما قرایین در نظر آن‌ها در نشریات وجود دارد که این تحول را حتی به سال‌های پیش از ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق می‌رساند.

49. خواجه‌اف تحصیلات روسی و غیردینی داشت. تأثیر افرادی چون او بر جدیدی‌ها و تغییر استراتژی آن‌ها قابل تأمل است. بی‌تردید این رویکرد ریشه‌هایی در خارج از ورآورده داشت. در سال ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق روسیه، سیصدمین سالگرد سلسله رومانوف را جشن گرفت. مسلمانان نیز در مساجد سراسر امپراتوری در بیست‌ویک فوریه ۱۹۱۳م/۱۳۳۱ق این روز را گرامی داشتند. در سن پنzesبورگ امیر بخارا و خان خیوه به اعضای مسلمان دوما پیوستند. نماینده مفتی اورنبورگ و مسلمانان محلی برای دعا به اعضای مسلمان دوما پیوستند. پس از قرائت قرآن نماینده مفتی، کاترین کبیر و همه رومانوف‌ها را که اجازه تأسیس مساجد در امپراتوری را دادند، ستایش کرد. پس از آن محمد ظریف یوسف به سلطنت و عشق به سرزمین مادری اعلام وفاداری کرد و گفت خدا و پیامبر بدان امر فرموده‌اند: اطیعواهله و اطیعوا الرسول آغاز جنگ جهانی اول این احساسات را به نمایش درآورد. در پی انتشار فتوای نهاد دینی عثمانی که مسلمانان را به جهاد علیه روسیه، انگلیس و فرانسه فراخواند، مفتی اورنبورگ نیز مسلمانان قلمرو خود را مخاطب قرار داد و گفت روسیه وطن ماست. قلب مسلمانان است. بیش از یک میلیون مسلمان به ندای او پاسخ دادند و خود را فرزندان حقیقی وطن نامیدند.

Robert D. Crews, For Prophet and Tsar, Islam and Empire in Russia and Central Asia, United States of America, Harvard University Press, 2009, p.350-1

50. Khalid, *Op. cit.*, p.218-9

51. مارکباتونسکی، مطالعات اسلامی کلیسا ارتدوکس روسیه، ترجمه کاملی احتمامی اکبری، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۶.

52. Рачаев, С.412

به نقل از روزنامه خورشید، ۲۱ اکتبر ۱۹۰۶

53. Хамон

54. عبدالخالق نبوی، «محمود خواجه بهبودی و نقد ادبی در نهضت جدیدیه»، رودکی، سال هشتم، ش ۱۶، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۳۳-۴

55. Хамон, С. 402

56. Хамон, С. 403

57. آینه، ش ۱۶ ذی الحجه ۱۳۳۱

۱۳۳۱. آینه، ش ۹ صفر 58

59. Рачаев, С.412
 60. Рачаев, С.314
 61. Khalid, *Op. cit.*, p. 236-7
 62. Рачаев, С. 314

به نقل از صدای ترکستان، 2 سپتامبر 1914

63. Хамон
 64. Khalid, *Op.cit.*, p.241
 65. Рачаев, Хамон

منابع

- اشپولر، برتولد [و دیگران]، آسیای میانه (مجموعه مقالات تاریخی)، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، 1376
- حائری، عبدالهادی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، 1374
- معتمدنژاد، کاظم، مطبوعات در آسیای مرکزی (تحولات روزنامه‌نگاری در دوره تجدددخواهی، اشتراک‌گرایی و استقلال‌جویی)، تهران، نشر علم، 1390
- مدیر شانه‌چی، محسن، در میانه آسیا (مجموعه مقالات و گفت‌وگوهای درباره آسیای مرکزی و قفقاز)، تهران، کتاب باز، 1378
- Bregel, Yuri, **An Historical Atlas Of Central Asia**, Brill, Leiden, Boston, 2003
- Crews, Robert D. , **For Prophet and Tsar, Islam and Empire in Russia and Central Asia**, United States of America, Harvard University Press,2009
- Kaushik, Devendra, **Central Asia In Modern Times**, (A history from early 19th Century) , edited by N. Khalfin, Moscow, Progress Publisher,1970
- Khalid, Adeeb,**The Politics of Muslim Cultural Reform, Jadidism in Central Asia**, University of California Press, 2003
- Morrison, A. S. ,**Russian Rule in Samarkand 1868-1910 (A comparison with British India)**, Oxford University Press, 2008
- Pierce,Richard,**Russian Central Asia 1867-1917 (A Study In Colonial Rule)** , University of California Press, 1960

روند رویارویی جدیدیان مناطق اشغالی ... الهه کولایی و همکار

- Pahlen, Count K. K. , **Mission to Turkestan**, Edited by Richard Pierce, Translated by N. J. Couriss, London. Boston, 2003
- Хотамов, Намоз, **Таърихи ҳалки тоҷик (аз солҳи 60-уми асри XIX то соли 1924)** , нашриёт "ЭР-граф", дошанье, 2000
- Рачьов, Зариф, **Аз таърихи Афкори Чамъияти-сиёсии ҳалки тоҷик дар нимаи дӯйуми асри XIX ва аввали асри XX**, нашриёт давлатии Тоҷикистон, сталиноъод, 1959
- باتونسکی، مارک، «مطالعات اسلامی کلیساي ارتدوکس روسیه»، ترجمة کاملیا احتشامی اکبری، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال چهارم، ش 11، پاییز 1374
- رسولیان، قهار، «نخستین مكتب اصول جدید تاجیکی» **رودکی**، سال هشتم، ش 15، تابستان 1386
- رهنمای، عبدالله، **جدیدیه، رودکی**، سال هشتم، ش 15، تابستان 1386
- خالد، ادیب، «چاپخانه‌داران مسلمان در آسیای مرکزی دوره تزاری»، ترجمة محسن جعفری مذهب، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال هشتم، ش 25، بهار 1378
- صدای شرق، به نقل از ودود محمودی و عبدالقدار شکوری، ش 8، 1990
- عبداللهزاده، شیرزاد، «روشنفکری و تلاش برای اصلاح شعور دینی در آسیای میانه»، **رودکی**، سال نهم، ش 19، تابستان 1387
- علیم آوا، دلارام، [و سیداکبر اعظم خجایف]، «تاریخ نهضت جدیدیه در ترکستان اوایل قرن 20»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال ششم، ش 20، زمستان 1376
- نبوی، عبدالخالق، «محمود خواجه بہبودی و نقد ادبی در نهضت جدیدیه»، **رودکی**، سال هشتم، ش 16، پاییز 1386
- آینه، ش 2، شانزدهم ذی الحجه 1331
- آینه، ش 9، ششم صفر 1331
- آینه، ش 25، بیست و نه جمادی الاولی 1332
- David Mckenzie, «Kaufman of Turkestan, An Assessment of his Administration 1867-1881», **Slavic Review**, Vol. 26, 2 June. 1967